حادثه‌ها

دستگیری ۱۴۳ سارق پایتخت در یک شب

● رئیس‌پلیس تهران بزرگ گفت: در عملیات انجام‌شده در شامگاه دوشنبه، ۱۴۳ سارق در قالب ۲۶ باند دستگیر شدند. سردار حسین ساجدی‌نیا اظهار کرد: ۹۰ نفر از افراد دستگیرشده سابقه‌دار هستند که ۴۰ نفر آنها سارق منزل، ۸۷ نفر زورگیر و کیف‌قاپ و ۲۴ نفر سارق لوازم خودرو هستند و برخی از آنها نیز در قالب مأمور آگاهی فعالیت می‌کردند. کم‌سن‌ترین سارق نیز ۱۵ سال دارد. وی افزود: این سارقان در همه نقاط تهران به‌ویژه غرب و شمال تهران فعالیت می‌کردند. همچنین قرار است پس از شناسایی مالخران طرح دستگیری مالخران را اجرا کنیم. رئیس‌پلیس پایتخت با اشاره به میزان کاهش سرقت نسبت به سال گذشته، گفت: در سال ۹۳، قول دادیم میزان برخورد با سرقت را تشدید کنیم به‌گونه‌ای که رشد نداشته باشد. درحال‌حاضر نیز ۱۴ درصد سرقت در سطح تهران کاهش یافته است .

پرداخت قبوض از جیب همسایه

● رئیس پلیس فتای استان «سیستان‌وبلوچستان» از دستگیری شخصی که اقدام به پرداخت قبوض خود از طریق حساب بانکی یکی از شهروندان کرده بود، خبر داد. سرهنگ «سیدمحمد حسینی‌پور» گفت: در پی ارجاع یک فقره پرونده از مراجع قضائی به پلیس فتا مبنی بر برداشت غیرمجاز از حساب بانکی شاکی، پرونده تشکیل شد. وی ادامه داد: با انجام بررسی‌ها محرز شد تمامی وجوه برداشت‌شده صرف پرداخت قبوض آب، برق و تلفن از طریق اینترنت شده که دراین‌راستا با پیگیری سرنخ‌های به‌دست‌آمد و همسایه شاکی به عنوان متهم احضار شد. این مقام انتظامی درادامه بیان کرد: همسایه شاکی پس از مواجهه با مدارک غیرقابل انکار این پلیس لب به اعتراف گشود و گفت: شاکی که همسایه دیواربه‌دیوار من است، مدتی پیش از من خواست قبض تلفن‌همراه وی را از طریق موبایل پرداخت کنم و به این منظور، اطلاعات بانکی خود را در اختیارم قرار داد و من نیز آن را در تلفن خود ذخیره و چند مرحله اقدام به پرداخت قبض با استفاده از اطلاعات حساب وی کردم. رئیس‌پلیس فتای استان سیستان‌وبلوچستان از شهروندان خواست از قراردادن اطلاعات حساب خود در اختیار دیگران خودداری کنند و در صورت لزوم پس از انجام این کار، رمز خود را تغییر دهند تا امکان هرگونه سوءاستفاده بعدی از بین برود.

متهم در دور سوم محاکمه:

مرگ دوستم اتفاق بود، نه قتل

شرق: مردی که به قتل دوستش متهم است در حالی برای چندمین‌بار پای میز محاکمه رفت که باز هم اتهام قتل را رد کرد و جزئیات جدیدی از روز حادثه را به زبان آورد.

به گزارش خبرنگار ما، فرشاد سه سال قبل به اتهام قتل بازداشت شد، او با شکایت خانواده دوستش شروین، متهم شد این جوان را به آتش کشیده و کشته است. روز گذشته متهم در حالی پای میز محاکمه رفت که قبلا دوبار به قصاص محکوم شده بود اما هر دو دفعه رأی صادره از سوی دیوان‌عالی کشور نقض شده بود.

فرشاد روز گذشته برای بار سوم پای میز محاکمه رفت. نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه رسیدگی جزئیات قتل را توضیح داد و در دفاع از کیفرخواست گفت: متهم این پرونده سه سال قبل در پی اختلاف مالی که با دوستش شروین داشت او را به خانه‌اش کشاند و وی را در پارکینگ با بنزین به آتش کشید و باعث مرگش شد. متهم در تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کرد، هرچند در مراحل بعدی این قتل را انکار کرد و اعترافاتش را اشتباه خواند، اما مدارک به دست‌آمده به‌جز اعترافات متهم نشان می‌دهد شروین به دست فرشاد به قتل رسیده است و به‌عنوان نماینده دادستان درخواست رسیدگی به این پرونده و صدور حکم شایسته را دارم. در ادامه اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند. آنها گفتند با اینکه سال‌ها از وقوع قتل گذشته اما داغ‌شان هنوز تازه است و خواستار صدور حکم قصاص هستند.

در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل را یک‌بار دیگر رد کرد و گفت: «شب حادثه شروین با من تماس گرفت تا همدیگر را ببینیم، من گفتم ماشینم خراب است و روشن نمی‌شود ضمن اینکه باید برای بچه‌ام دارویی بخرم و سفارشاتی نیز خانواده داشته‌اند که باید آنها را انجام دهم. شروین گفت احتمالا بنزین نداری، گفتم بنزین دارم؛ در نهایت گفت یک لیتر بنزین می‌خرد و برایم می‌آورد تا بتوانیم ماشین را روشن کنیم. من همچنان داشتم ماشین را بررسی می‌کردم که شروین آمد. دو نفری با هم داشتیم روی ماشین کار می‌کردیم که نمی‌دانم چه شد شروین آتش گرفت. من واقعا نفهمیدم چطور این اتفاق افتاد. بلافاصله بعد از او، من آتش گرفتم با اینکه به شدت وضع بدی داشتم، اما با تلاشی که کردم توانستم آتش خودم را خاموش کنم. موکتی در ماشین داشتم آن را برداشتم و روی شروین انداختم تا بدن او را هم خاموش کنم». متهم گفت: وقتی شروین را خاموش کردم، بی‌حال روی زمین افتادم، دیگر یادم نمی‌آید چه اتفاقی افتاد، فقط یادم می‌آید در بیمارستان چشمانم را باز کردم و به من گفتند سوختگی زیادی دارم و شروین هم جانش را از دست داده است. بعد از اینکه کمی بهتر و از بیمارستان مرخص شدم من را به اداره آگاهی بردند و اتهام قتل به من وارد شد، درحالی‌که من این کار را نکرده بودم.

در این هنگام قاضی بخشی از صحبت‌های متهم را خواند و گفت: تو در بازجویی‌ها گفته‌ای من به‌دلیل اختلافاتی که با مقتول داشتم با او درگیر شدم، بنزین را روی او ریختم و آتش زدم. قاضی ادامه داد: اگر گفته‌های حالا را که در دادگاه بیان کردی، درست است پس چرا قبلا به قتل اعتراف کردی، حتی زیر اعترافات را امضا کردی و اثر انگشت هم روی برگه ثبت شده است. متهم پاسخ داد: من این اظهارات را قبول ندارم. چنین حرف‌هایی نزدم و نمی‌دانم امضا و اثرانگشت برای چه زیربرگه قرار دارد، من دست به قتل نزدم و حرف‌هایی که حالا می‌گویم، درست است قاضی گفت: اینکه می‌خواستی برای بچه‌ات دارو بخری، مسئله‌ای است که حالا بیان کرده‌ای، نه در اداره آگاهی و بازپرسی و نه در جلسات متعددی که محاکمه شده‌ای درمورد آن حرفی نزده بودی. توصیه می‌کنم صداقت داشته باشی و صادقانه در مورد عملی که مرتکب شده‌ای صحبت کنی. اگر واقعا برای خرید دارو از خانه بیرون می‌رفتی از ابتدا این موضوع را می‌گفتی نه حالا.

متهم گفت: من دروغ نمی‌گویم؛ می‌خواستم برای خرید دارو برای بچه‌ام از خانه بیرون بروم که متوجه شدم ماشینم دوباره روشن نمی‌شود. احتمالا یادم رفته بود که در جلسات قبل این موضوع را بگویم. من سال‌های زیادی است که درگیر این پرونده هستم و زخم‌های سوختگی هم خیلی من را اذیت کرده است؛ اگر یادم بود، قبلا می‌گفتم. بعد از دفاعیات متهم و وکیل مدافع او ختم جلسه اعلام شد و هیأت قضات برای صدور رأی در پرونده اتهامی فرشاد برای بار سوم تشکیل جلسه دادند.

نجات از چوبه دار با رضایت اولیای‌دم

شرق: جوانی که دوستش را به قتل رسانده و جسدش را در داخل گودالی رها کرده بود، با رضایت اولیای‌دم از قصاص نجات پیدا کرد و به‌لحاظ جنبه عمومی جرم مورد محاکمه قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، چهارسال‌ونیم قبل پسر جوانی به مأموران خبر داد دو دوستش با هم درگیر شده و یکی دیگری را به قتل رسانده است. این جوان در گزارش تلفنی‌ای که به مأموران داد، گفت: دوستم کریم با من تماس گرفت و گفت دوست مشترکمان احمد را زده و در گودالی انداخته است، وقتی به آنجا رسیدم دیدم احمد جانش را از دست داده است. بلافاصله بعد از این گزارش، مأموران به محل رفتند و تحقیقات خود را آغاز کردند. آنها در بررسی اولیه جسد متوجه شدند مقتول با ضربه چوب و چاقو به قتل رسیده و احتمالا ضرباتی هم در همان گودال بر بدن او وارد شده است. پلیس کریم را شناسایی و بازداشت کرد. این جوان به قتل اعتراف کرد و گفت: هرچند من و احمد با هم دوست بودیم اما اختلافاتی داشتیم. اختلافات به خاطر پولی بود که من به احمد بدهکار بودم. روز حادثه احمد از من خواست بیرون از خانه قرار بگذاریم و با هم صحبت کنیم، من هم قبول کردم، وقتی سر قرار حاضر شدم، با هم صحبت کردیم. احمد خیلی عصبانی بود و حرف‌هایی زد که من را خیلی ناراحت کرد. او با چوب به من حمله کرد و من هم برای اینکه جلو رفتارهایش را بگیرم،

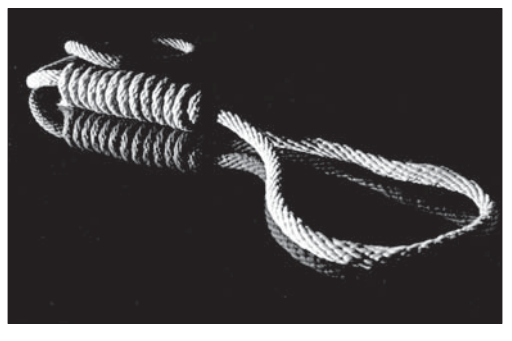

هلش دادم اما او دوباره به من حمله کرد، این‌بار چاقویی از جیبم بیرون آوردم تا عقب برود اما در کشمکشی که با هم داشتیم چاقو وارد بدنش شد و او داخل گودال افتاد. بااین‌حال بلند شد و دوباره با چوب به من حمله کرد. من هم او را داخل گودال انداختم و با چوب چند ضربه به او زدم، وقتی به خودم آمدم دیدم دوستم بی‌حال شده است، آن‌قدر ترسیده بودم که نمی‌دانستم چه باید بکنم به همین خاطر به دوست مشترکمان که کیوان نام دارد زنگ زدم و موضوع را به او گفتم. بعد از اینکه متهم به قتل اعتراف و جزئیات را بیان کرد، گزارش پزشکی‌قانونی هم تأیید کرد که قتل بر اثر ضربات متعدد چوب و چاقو به بدن مقتول رخ داده است. بعد از تکمیل پرونده و صدور کیفرخواست، قضات دادگاه کیفری استان تهران محاکمه متهم را در دستور کار خود قرار دادند. احمد بعد از محاکمه به قصاص محکوم شد و رأی صادره مورد تأیید دیوان‌عالی کشور قرار گرفت اما وقتی پرونده برای اجرای حکم به دادسرا فرستاده شد، خانواده احمد موفق به جلب رضایت اولیای‌دم شدند و این‌بار پرونده با صدور کیفرخواست علیه متهم درباره جنبه عمومی جرم به دادگاه فرستاده شد. روز گذشته بعد از تشکیل جلسه رسیدگی و قرائت کیفرخواست، متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهام را یک‌بار دیگر قبول کرد و گفت: من از کاری که کرده‌ام خیلی پشیمان هستم. قصدم کشتن دوستم نبود من اگر می‌خواستم کریم بمیرد با دوستم کیوان تماس نمی‌گرفتم که به او کمک کند. بعد از دستگیری و محکومیت هم خیلی تلاش کردم تا رضایت اولیای‌دم را بگیرم. خانواده‌ام خیلی سختی کشیدند. ماندن زیر سایه طناب دار به مدت چهارسال‌ونیم بسیار کار سختی است و من دیگر خسته شده‌ام. حالا که اولیای‌دم من را بخشیده‌اند درخواست دارم هیأت قضائی هم در مجازات من تخفیف دهند. هیأت قضات بعد از پایان گفته‌های متهم، برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

رخداد

انهدام باند جعل بیمه‌نامه خودرو

● اعضای باندی که با جعل بیمه‌نامه خودرو از ۲۸ نفر بالغ بر ۴۰۰ میلیون ریال کلاهبرداری کرده بودند، در استان اصفهان دستگیر شدند. سرهنگ «ستار خسروی»، رئیس‌پلیس آگاهی استان اصفهان، اظهار کرد: نمایندگی یکی از شرکت‌های بیمه شکایتی را مطرح کرد مبنی بر اینکه فردی با ۲۸ عدد بیمه‌نامه خودرو بدون سابقه مراجعه کرده و براساس آن بیمه‌نامه با حداکثر تخفیف، صادر اما هیچ‌گونه نشانی از مالکان، هنگام صدور بیمه‌نامه ارائه نشده است. وی افزود: با انجام تحقیقات صورت‌گرفته، کارآگاهان دریافتند با باندی حرفه‌ای در زمینه جعل و کلاهبرداری روبه‌رو هستند که اقدامات تخصصی دراین‌زمینه انجام و سه نفر در یک عملیات ضربتی دستگیر شدند. خسروی خاطرنشان کرد: متهمان که دو مرد و یک زن هستند، هرچند منکر هرگونه بزهی بودند، اما پس از مواجهه با مدارک پلیس، به ۴۰۰ میلیون ریال کلاهبرداری از این طریق اعتراف کردند.

سارقان حرفه‌ای با ۱۳ تیر پلیس به زانو درآمدند

● سارقان حرفه‌ای پایتخت که دست به سرقت خودرو در مناطق غربی تهران می‌زدند، توسط پلیس شناسایی و دستگیر شدند. مأموران پلیس پیشگیری تهران حین گشت‌زنی در خیابان یادگار امام(ره) تقاطع خیابان امام‌خمینی(ره)، به پراید نقره‌ای مشکوک شدند. مأموران پلیس پس از استعلام متوجه شدند خودرو مسروقه است به همین دلیل به راننده دستور ایست دادند. راننده خودرو پراید به دستور مأموران بی‌اعتنایی کرد و عوامل انتظامی با توجه به قانون به‌کارگیری سلاح، اقدام به تیراندازی با سه تیرهوایی کردند اما باز راننده به فرار ادامه داد تا اینکه نیروی‌های پلیس ۱۰ تیر جنگی به سمت خودرو شلیک کردند که باعث پنچرشدن لاستیک خودرو شد. سرانجام دو متهم که داخل خودرو بودند، دستگیر شدند و مقداری اموال مسروقه از آنها کشف شد. سرهنگ رضا بستو، جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ، درباره این خبر به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: متهمان در تحقیقات پلیسی اعلام کردند با همدستی اشخاصی دیگر اقدام به سرقت خودرو و لوازم آن خودرو می‌کردند. وی خاطرنشان کرد: متهمان برای تحقیقات بیشتر و کشف سایر جرائمشان و همچنین شناسایی و دستگیری سایر همدستانشان، در اختیار کارآگاهان پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند.

چگونه با معدل ۱۱/۲۳ و رتبه ۱۳۰ هزار دانشجوی دندانپزشکی روزانه سراسری شدم؟

از شکست درس بگیر

آنقدر افتادم، افتادم، افتادم تا جلو افتادم... در هر کاری هر چند سخت و ناممکن برای رسیدن به هدف و مقصد با تلاش و پشتکار فراوان این ناممکن تبدیل به ممکن می‌شود و راه شما آسان. همان‌طوری که قطره‌های لطیف آب فقط با پشتکار حتی سنگ را می‌شکافند. پس باید صبور باشیم و بدانیم که عجله در هر کاری سرانجام خوبی ندارد و راه‌تان را طولانی‌تر می‌کند. من میلاد علی‌نیا دانشجوی دندان‌پزشکی دانشگاه سراسری روزانه هستم که از شکست درس گرفتم و از درد به درک رسیدم.

آمادگی برای کنکور ۹۰

روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۹ بود، که همه برای کنکور آماده می‌شدند. من هم مثل همه تصمیم گرفتم که در کلاس کنکور ثبت نام کنم. به تنها چیزی که فکر می‌کردم قبولی در رشته‌ی دندان‌پزشکی بود.

بعد از گذشت ۷ ماه

امروز ۲۸ اسفند ماه، هنوز نتوانستم درسامو تموم کنم و حتی به ۲۰ درصد برنامم عمل نکرده‌ام. پر از استرس‌ام هر روز که می‌گذره، فشار دروس نخوانده و تنگی وقت رو بیشتر احساس می‌کنم. چطور می‌تونم زمان رو مدیریت کنم تا هم به کلاس‌هام برسم و هم به درسام. چطور میخوام با روزی ۹ ساعت کلاس داشتن به همون اندازه زمان واسه مطالعه داشته باشم؟ چرا هر چه یاد می‌گیرم زود از خاطرم فراموش میشه؟ این‌ها سؤال‌هایی بود که هیچ‌وقت رهایم نمی‌کرد. شرایطم سخت بود. اما باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعه‌ام درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من با استرس زیاد و تجربه‌ی کم و تقریبا بدون آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و همکلاسی‌هام درست بود من با معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچ‌وقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما هیچ‌کدوم از اونا نتونستن وضعیتم رو تغییر بدن. حرف همشون این بود که: میلاد می‌تونی به رشته دیگه هم فکر کنی. همه رشته‌ها خوبن. اما هیچ‌کدوم نمی‌دونستن که من رو هدفم پافشاری می‌کنم. در جوابشون می‌گفتم ۱۲ سال درس خوندم برای یک هدف اون هم دندون‌پزشکی که در نهایت لبخندی جهت تمسخر می‌زدن و ختم جلسه. در تمام طول عمرم هیچ‌وقت شرایطی به دشواری اون زمان نداشتم. در شرایطی که اکثر دوستام به دانشگاه رفتن و من حتی مجاز به انتخاب رشته هم نشدم. رتبه ۱۳۰ هزار منطقه ۲، نهایت فاجعه بود. رتبه‌ای بود که من حتی با فکر کردن به آن شرم می‌کردم.

آشنایی با استاد

گفتم برای آخرین بار در کنکور شرکت کنم اما نتونستم وضعیت روحی‌ام رو تغییر بدم. این وضعیت تا اواخر سال ۹۰ یعنی تا دی ماه ادامه داشت، تا اینکه در یکی از مجلات مقاله‌ای خوندم. کاری که استاد می‌کرد برای غیرقابل باور بود. مگه میشه با تکنیک خاصی استرس، ترس و نگرانی‌هام رو رها کنم؟! بله می‌شد، مقاله از تکنیک برنامه‌ریزی استاد صحبت می‌کرد. من با خواندن آن مقاله سعی کردم بیشتر بدانم و تحقیق کردم. پس از اینکه

اطلاعات کافی رو به دست آوردم با استاد تماس گرفتم و ماجرای کنکورم، شرایط روحی و روانی‌ام رو برای استاد توضیح دادم و اولین تکنیکی که استاد بهم آموزش دادن، تکنیک رفع استرس و اضطراب و آماده‌سازی روحی و روانی بود. مجموعه آلفای ذهنی استاد رو دریافت کردم و پس از آن با برنامه استاد تصمیم گرفتم از اساتیدی استفاده کنم که با استفاده از تکنیک‌های برتری که در اختیار داشتن می‌تونستن راه کنکور رو بسیار ساده کنند. پس کارم رو شروع کردم و استاد به من آموخت که اگر بخوام همه چیز را می‌تونم تغییر بدم یا به قولی (خواستن، توانستن است) و من به آن ایمان پیدا کردم.

استاد واقعاً استاد است:

وقتی به استاد احمدی مراجعه کردم، پس از دقایقی که با من صحبت کرد بعضی از تکنیک‌های آلفای ذهنی (مثل تکنیک پاک کردن خاطرات منفی در چند دقیقه) رو در مورد من اجرا کرد و روحیه‌ام بسیار قوی و عالی شد و هیچ

در ضمن زیست آزاد را هم ۱۰۰ درصد زدم و انتخاب اول قبول شدم و با توجه به این‌که دندانپزشکی سراسری قبول شدم دیگر دانشگاه آزاد را ثبت نام نکردم

وقت فراموش نمی‌کنم که از آن روز به بعد از لحاظ فکری بسیار پیشرفت کردم که این را مدیون استاد احمدی هستم. در ادامه پس از اینکه از لحاظ روحی آماده شدم خیلی زود بعد از کارشناسی کردن منابع و انتخاب اون‌ها توسط استاد منابع مورد نیازم را تهیه کردم و کارم را شروع کردم. من پشت کنکور بودم و نمی‌خواستم اشتباهی که سال قبل انجام دادم رو دوباره تکرار کنم به همین خاطر دیگه کلاس نرفتم و به پیشنهاد استاد از لوح‌های فشرده تدریس اساتید که به صورت کاملا تکنیکی و راهبردی بود استفاده کردم و هر موقع سوالی داشتم با ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس می‌گرفتم.

نتیجه‌ی غیرقابل باور

با تلاش، پشتکار و علاقه‌ای که داشتم توتسم با لوح‌های فشرده‌ی اساتید و برنامه‌ریزی دقیق و گام به گام ایمیج میکینگ استاد، کمتر از ۲ ماه تغییر بزرگی رو در خودم ببینم. نتیجه‌ای که در آزمون سنجش برایم حاصل شد همه را شوکه کرده بود. من در عرض کمتر از ۲ ماه ترازم حدود ۲۵۰۰ تا پیشرفت کرده بود. بی‌وقفه به حضور استاد رسیدم و استاد با بررسی درصدهایم و همچنین مشاهده دروس ضعیفم سریعاً در همان دروس تکنیک‌ها را مستقیما به من ارائه دادن و من با تلاش و پشتکار خود و پس از بارها استفاده از آن تکنیک‌ها توتسنم به خوبی در تست از آن‌ها بهره‌مند شوم. پس از آمادگی و تسلط بر همه‌ی دروس در نهایت برای عملکرد بهتر و سریع‌تر در تست‌ها، استاد با در اختیار گذاشتن لوح‌های فشرده تکنیک‌های تست‌زنی مافوق حرفه‌ای مرا در سه درس که در آزمون‌های آزمایشی بالاترین درصد را داشتم به درصد ۱۰۰ نزدیک کرد. در روز کنکور وقتی برخی از داوطلبان با دیدن سوالات به وحشت می‌افتادند من شادتر و شادتر می‌شدم و بالاخره من به رؤیا و هدفم که دندان‌پزشکی روزانه بود رسیدم و توانستم ۲ درس تخصصی زیست و شیمی را ۹۲ و ۸۹ درصد و دین و زندگی را بالای ۸۷ درصد بزنم و در ضمن زیست آزاد را هم ۱۰۰ درصد زدم و انتخاب اول قبول شدم. با توجه به این‌که دندان‌پزشکی سراسری قبول شدم دیگر دانشگاه آزاد را ثبت نام نکردم.

استاد احمدی

چگونه می‌خوای با معدل کتبی ۱۱/۲۳ به دندونپزشکی برسی؟! تو که از خیلی‌ها درست ضعیف‌تره وقتی اونا نتونستن مگر اون‌وقت تو می‌تونی؟! شاگرد اول کلاس امیدی نداره اونوقت تو... این‌ها حرف‌هایی بودن که همکلاسی‌هام زمان دبیرستان بهم می‌گفتن، چون همه می‌دونستن که من همیشه حرف از قبولی تو این رشته می‌زنم و همیشه با این حرف‌ها می‌خواستن ناامیدم کنن، اما من توجهی به اونا نکردم.

حالا از خودتون می‌پرسید که چرا سال اول نتونستم؟ در واقع من استاد احمدی را نداشتم.

حرف آخر؛ یک پیشنهاد یا درد و دل دوستانه

همه‌ی شما بدونید که سرگذشت کنکورم (که الآن جزئی از خاطرات خوش زندگیمه) رو برای شما دوست کنکوری یا دبیرستانی‌ام نوشتم تا بدانی که انسان اشرف مخلوقاته و هر وقت که بخوای می‌تونی آینده‌ات را با اندیشه و تلاش تغییر بدی به طوری که مطابق میل خودت باشه و به یاری خداوند به بهترین زندگی برسی. چرا که اگر می‌بینی خداوند هدفی را که در دلت نهاده قطعاً تو رو شایسته‌ی رسیدن به اون هدف دونسته پس سعی کن با تلاش و توکل بر خدا حتماً به هدفت برسی. خداوند در قرآن می‌فرماید: «من یتوکل علی‌الله فهو حسبه» (هر که اتکایش به خدا باشد خدا برای او کافی است) و «ان الله یحب المتوکلین» (خداوند توکل کنندگان را دوست دارد) با یاد و توکل به خدا از زندگی لذت ببر و به دنیا بخند، همین الآن وقتشه، بله بخند تا درهای امید به رویت باز شه، به امید یاری حق.

«هرگز روزت را با تکه‌های شکسته‌ی دیروز آغاز مکن امروز روز دیگریست.»

برای مشاوره و برنامه‌ریزی تحصیلی و ارتباط با استاد حسین احمدی با شماره‌های

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲
۰۹۱۲۱۹۶۵۷۵۱
۰۲۱ – ۶۶۴۰۹۰۹۰
پیامک ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶
تماس بگیرید

چگونه مهدی شیخی با رتبه ۲۷، دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران شد

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران/ دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted۲۰۰۹ / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه‌ی برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیونی **«کنکور آسان است»** و **«درس خواندن آسان است»** و **«طعم مطالعه» و مدیر مسئول گیلنا**

لطفا خودتان را به طور کامل معرفی کنید.

در ۲۶ اسفند ۱۳۷۰ در اراک به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان دولتی شکیب در قزوین سپری کردم و تا آن زمان هیچ دانش‌آموزی از این مدرسه نتوانسته بود به مدرسه تیزهوشان راه پیدا کند بنابراین مصمم بر انجام این کار شدم و با تلاش و پشتکار فراوان توانستم در آزمون تیزهوشان موفق شوم و اولین نفری باشم که از مدرسه‌ی شکیب به مدرسه‌ی تیزهوشان راه پیدا می‌کند. دوران راهنمایی نیز با فراز و نشیب‌ها سپری شد تا در دوره‌ی دبیرستان رشته‌ی تجربی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم. با توجه به علاقه‌ای که در درس زیست‌شناسی داشتم. هدف خود را مدال طلای المپیاد زیست‌شناسی قرار دادم. در این راه بسیار تلاش کردم و کتب متعدد زیست‌شناسی از جمله بیوشیمی لینجز، ژنتیک استانسفیلد، گیاهی رست و... را مطالعه کردم. در آزمون المپیاد بسیج جزء ۵۰ نفر برتر کشوری شدم و در المپیاد زیست‌شناسی کشوری اگر چه در مرحله‌ی اول قبول شدم ولی با اختلاف کمی نتوانستم مرحله‌ی دوم را سپری کنم. این اتفاقات در بهار سال سوم دبیرستان رخ داد و اکنون من دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی بودم که ضربه‌ی سنگین روحی به دلیل عدم موفقیت در المپیاد به من وارد شده بود. ولی استاد حسین احمدی همیشه می‌گوید: باید هدف و علاقه‌ی خود را در ذهن‌تان بدانید و هدف من پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود و می‌دانستم که برای رسیدن به این موفقیت نیازمند برنامه‌ی مناسب، تلاش و اراده کافی هستم. پس با یک اراده ی قوی شروع به درس خواندن کردم و همه‌ی ذهن و انگیزه‌ام پزشکی بود.

در این راه با مانع‌هایی ممکن بود روبرو شوم، به عنوان مثال در بهار سال کنکور مادربزرگم دچار سکته مغزی شد و من به عنوان نوه‌ی بزرگ، باید کمک‌هایی به پدرم می‌کردم که از یک طرف ذهن من را به خود مشغول می‌کرد و از طرف دیگر زمان زیادی را از من برای درس خواندن می‌گرفت. ولی من سعی می‌کردم از شرایط، بهترین استفاده را ببرم با وجود این شرایط نیز درس خواندن را ادامه می‌دادم و از کوچکترین زمان‌ها برای خواندن استفاده می‌کردم و موفق شدم در کنکور رتبه ۲۷ را کسب کنم. بسیاری از دانش‌آموزان با خود می‌گویند که افرادی که رتبه‌ی خوبی به دست می‌آورند در شرایط کاملا ایده‌آلی هستند و هیچ مشکلی ندارند در حالیکه واقعا این گونه نیست و باید بچه‌ها این شعار را در ذهن خود پرورش دهند که من از شرایط می‌خواهم بهترین استفاده را ببرم.

پس از نتایج کنکور شروع به تدریسی المپیاد زیست‌شناسی در تیزهوشان و فرزانگان قزوین کردم و ۲ نفر از شاگردانم به نام خانم‌های کولجی و یوسفی موفق به کسب مدال طلای زیست‌شناسی شدند و در حیطه‌ی کنکور نیز فعالیت کردم و به دانش‌آموزان زیادی کمک کردم از جمله: سینا پورسلیمی – خشایار افشاری – مسعود هاشمی – علیرضا تلویری و...

از چه منابعی استفاده می‌کردید؟

در پاسخ به این سوال باید بگویم منبع اصلی من کتاب درسی بود و در کنار آن از منابع و جزوات استاد حسین احمدی استفاده می‌کردم. به نظر من درس خواندن هر

درسی نیازمند روش خاصی می‌باشد. به عنوان مثال در مورد درس زیست‌شناسی، که تدریس آن در موسسه استاد حسین احمدی برعهده دارم، باید بچه‌ها ابتدا یک بار روزنامه‌وار فصل را روخوانی کنند و عناوین فصل را یاد بگیرند سپس به سراغ توضیحات هر فصل بروند و با دقت بیشتری مطالعه کنند. اگر نکته‌ای پیدا کردند که برایشان جدید بود گوشه‌ای از کتاب یادداشت کنند (مهارت تکمیل‌نویسی). بعد از این مرحله باید ارتباط بین فصول مختلف کتاب را نیز مورد توجه قرار دهند به عنوان مثال در فصل اول زیست‌شناسی سال سوم دبیرستان در مورد دستگاه ایمنی صحبت می‌شود. گلبول‌های سفید نیز که نقشی اساسی در ایمنی دارند به طور جداگانه در فصل ششم سال دوم دبیرستان توضیح داده شده است بنابراین دانش‌آموزان این دو فصل را باید با هم یاد بگیرند تا مطالب به صورت مفهومی در ذهن‌شان پرورانده شود. بعد از این باید یکسری سوالات چهارگزینه‌ای برای آموزش و یادگیری حل کنند. این خلاصه‌ای از روش‌هایی بود که در مورد زیست‌شناسی استفاده کردم و موفق شدم به درصد ۹۵.۴٪ در آزمون سراسری و ۱۰۰٪ در آزاد نایل شوم و همین‌طور این روش را به طور کامل به دانش‌آموزانم تدریس می‌کنم.

نقطه ضعف شما چه بود؟!

مهم‌ترین نقطه ضعفم غرور کاذب بود و همین عامل منجر به ۱۰۰٪ نزدن زیست‌شناسی در کنکور سراسری شد.

و در پایان باید بگویم برادرم نیز با استفاده از لوح‌های فشرده‌ی استاد حسین احمدی و برنامه‌ریزی درسی که از بنده دریافت امسال دانشجوی دکترای دندانپزشکی سراسری روزانه اراک گردید.

فرهاد پیشگر دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
مدال طلای المپیاد زیست‌شناسی و نقره جهانی: دکتر شیخی انسان بسیار موفقی در زندگی می‌باشد که برای اهدافش تمام تلاشش را می‌کند و از هر موقعیتی برای آموزش سایرین استفاده می‌کند.

امیر دهدشتیان – رتبه ۲۴ کنکور سراسری و دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
یکی از مهمترین ویژگی‌های دکتر شیخی، تکاپوی بیش از حد ایشان است. طوری که بعد از کنکور در عرصه‌ی علم پزشکی و تحقیقات یکی از موفق‌ترین دانشجویان بوده است. مقاله‌های مختلف در ژورنال‌های داخلی و خارجی و سخنرانی در کنگره‌ی بین‌المللی دانشجویان پزشکی در اتریش و همکاری با پروفسور سمیعی مصداقی از این قضیه است.

خشایار افشاری – رتبه ۴۷ کنکور سراسری و دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران
مهدی شیخی یکی از بهترین اساتید در زندگی من می‌باشد که همیشه در تلاش برای ارائه‌ی ایده‌های نو در تدریس و کمک فراوان به دانش‌آموزان خود بوده است. در راه تدریس به دانش‌آموزان خود از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند و پیشرفت آنها همیشه او را شاد می‌کند.

ارتباط با شیخی ۰۹۱۲۱۹۶۵۸۰۲ و ۰۲۱-۶۶ ۴۰ ۹۰ ۰۷
ارتباط با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۷ ۰۲ – پیامک ۰۹۱۲ ۱۰۰ ۹۶۵۶